

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۰۸۹۳۶۲۷ • ۸۸۹۲۵۴۶۷ • نامبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۹۱۸۵۰ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۸۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۴۵۰۰۷-۰۹۱۲۳۵۸۳۲۹۳ • چاپ: مصمیم • تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۸ خرداد ۱۴۰۲ • ۱۹ ذی‌القعدة ۱۴۴۴ • ۸ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۷۱ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ • اذان مغرب ۱۹:۴۰

اذان صبح فردا ۳:۰۳ • طلوع آفتاب ۴:۴۸

روزنامه

دیالوگ روز

سر مال تدلا سو - جیسون سودیکس - ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳

مربی برند (برندن هانت): معنی تغییر این نیست که بی نقص باشی. کمال گاهی حوصله سربر است. تدریس (جیسون سودیکس): به جز رستگاری در شاهنشنگ که اون اصلاً کسل کننده نیست...

مربی بزند: خب، خب، خب! مثال‌های بی‌نقص زیاده، منظورم کمال درون آدماست.

لسلی (جرمی سونیت): آدم‌ها هیچ وقت به کمال نمی‌رسند، فقط می‌تونیم درخواست کمک کنیم و وقتی شرایطش را داشتیم، بپذیریمش. این جوری آدم به سوی تغییر و بهتر شدن حرکت می‌کند.

کوشش برای کاهش اعدام



صالح نقوہ کار

وکیل دادگستری

۱- خبر هر اعدامی که نشر می‌یابد، وجدان آدمی را خود می‌لرزد که آیا نمی‌شد راه دیگری پیش‌رو بود؟ نفسی محترمی می‌ماند و خانواده و طایفه‌ها را را داغ‌دار می‌کرد؟! پدیده‌ای است که هیچ جان‌پدیری از اعدام سبب نیست. طرفداران اعدام هم منطق حفظ مصالح و طرح و جلوگیری از خشونت مکرر و جنایت افزون‌تر و معرعه کرده یا ضرورت‌های شرعی را حجت می‌دانند. اگرچه این را مقدمه‌ای برای پیشگیری از ضرور بدتر بدهد می‌کنند.

۲- اکنون در قانون جزای ما حدود ۲۸ مورد

حیات یا به میدان تغییر بگذاریم.

۴- سؤال مشخص این است که چقدر کفر اعدام
انریخیسی و کارآمدی در خیر عمومی و خیر خصوصی
داشته است؟ مردم و شهروندان چقدر از اعدام سود
بردارند؟ واقع امر این است که کفر اعدام در دنیا
بازراندگی و انریخیسی نداشته و از این روی است که
۱۲۷ کشور به حذف کفر اعدام از نظام جزایی خود
پرداخته‌اند. در ورطه عمل نیز چه بسیار اشتباهات که
در تشخیص قضانی رخ نداده و چه کفرها که تا قبل از
اصلاح قوانین (مثل ماده ۳۲ قانون مواد مخدر) وجود
داشتند و اکنون سیاست‌گذار کفری مستحق اعدام
نمی‌داند و امر نسبی بودن اعمال کفر و زمان‌مندی آن
را گواهی می‌دهد.

۵. به نظر وقت بازنگری در سیاست کیفری اعدام فرا رسیده است. هفته قوه قضائیه نزدیک است و پیشنهاد می شود ریاست قوه کمیته ای تخصصی تشکیل دهند و

با استفاده از سرمایه انسانی خوش فکر و تفکر اجتهادی که فهمی از وضعیت سزادهی دوران کنونی داشته و مصلحت‌محلی‌ها و اولویت‌ها حقوق بشری در دنیای معاصر را در ادراک می‌کنند به بازخوانی جرائم مستوجب اعدام بپردازند و طی لایوایی اصلاحی به مجلس بازنگری و حذف مجازات‌های اعدام را در دستور کار قرار دهند.

۶. حمله‌ای از مارکس نقل است که «مجازات» مجازات‌ها، فرافروخته قدرت است، اما نقطه مقابل این کلام ثانوی، امروز چه‌رادی دیگر از مجازات را به تصویر می‌کشند که خیر عمومی و منافع جمعی و بازپروری و اصلاح را تداعی می‌کند. یعنی قدرت با کارست مجازات برآیند مصلحت‌محلی‌ها و جمع را بی‌تأثیر اعلامی و مرتبا بازخورد و معدل می‌گیرد تا ببیند کثرف‌کردی ارزشمندی و سودمندی برای جامعه و در داشته یا خیر؟

۷- تغییر یک مطالبه است و حقوق‌دانان وظیفه دارند. نظام‌های حقوقی «حق حیات» را بنیادین‌ترین حق انسان‌های شناسایی می‌کنند، به‌گونه‌ای که سایر حقوق انسانی و اجتماعی باید بر مدار حق حیات تعریف می‌شود. همه تلاش‌ها این است که حق حیات و لوازم آن با شاخص‌های موجه و مؤثر، پاس داشته شود و فراتر از آن حق «حیات شایسته و زیسته مطلوب» با مؤلفه کیفیت حیات در آن استاد و زمینه حقوق بشری سوره تحلیلی‌ها و گفت‌وگوهاست. مطالعه حقوق پزشکی و ابزار مورد استفاده بین ارزش‌های حاکم بر اندیشه صاحبان قدرت در دوره‌های زمانی مختلف است. اگر زمانه مدرن را درنماییم خرد جمعی و وجدان عمومی‌ی زمانه از ما عبور خواهد کرد و این گسست بابت‌فاصله از روش‌های مردم از روش‌های سیاست‌گذار عمومی خواهد شد.

اتفاق خوانی

۸- در کارنامه دیرین نظام حقوقی و سیاست جزایی مجازات‌های سخت و تنبیهات مرفاهکن تجویز می‌شد. این منظر، نظام سزاداهی و الگوی تحمیل مجازات خود مولد خشونت و مصداق تفری و بر حرمی به قصد اصلاح و شرف خاطراتی بود.

۹- در نظام حقوق کیفری امروز، آخرین درجه مجازات اعدام است؛ بنابراین اگر هدف مجازات صرفاً انقام و ارباب باشد، حتماً رنگی بالاتر از سیاهی نیست و اما با تحول انسانی در طول زمان چهره‌ای معتدلت‌تر و ملایمت‌تر از پیش در نظام عدالت کیفری رخ نموده است. افزایش حس نوع دوستی و اعتدال منبعث از آموزه‌های حقوق بشری سیاست‌گذار جنایی و جزایی را نیز سر سفره حقوق بشر نشانده است. پویایی نظام ارزشی یک واقعیت فراوی جامعه‌شناسی عدالت کیفری است. انسان سرور احترام با رعیت درخور اطاعت دو گونه مواجهه سزاداهی را طالب هستند. در نتیجه دولت‌ها هم ضمن بازنگری عملکردی خود، در قبال سیاست‌های کیفری اعدام تجویز و سالب حیات و غیرقابل بازگشت اصل احتیاط در دما و حمایت از حقوق بشر را پیش می‌کنند و در کاربست گشاده‌دستانه اعدام تجدیدنظر می‌کنند. یافتن عواید جرم‌زا و پیشگیری و مبارزه با آن‌ها اولویت قرار می‌گیرد و سعی می‌شود با اهتمام در حفظ حیات و حیثیت انسانی مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم باز داشته شوند و جمعیت کیفری به صفر برسد. در نقطه‌ای ایستاده‌ایم که باید تغییر را رقم بزنیم. عزم گفت‌وگو و تلاش دلسوزانه چراغ راه برای تغییر است. به قول دروکه‌پاک مجازات اخلاقی منفی است. باید اخلاقی مثبت مطالعه شود و با جامعه به دیده مثبت و سازنده برخورد شود.

شرایط دشوار جذب دکتر معلم‌ها در دانشگاه فرهنگیان



حسین معافی *

از دانشگاه‌های معتبر و مورد تأیید وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صورت روانه اخذ شده باشد. مقاضای ادای بJRستگی‌های علمی و پژوهشی مانند رتبه‌های اول مقطع دکتری و دانش‌آوردان حداقل پنج مقاله علمی پژوهشی معتبر و مورد تأیید به تشخیص رئیس دانشگاه و تأیید هیئت اجرایی جذب دانشگاه از مفاد این بند مستثنا هستند. در مجموع شرایط جذب دکترمعلم‌ها در دانشگاه فرهنگیان نسبت به شرایط جذب هیئت علمی وزارت علوم از سختگیری‌های بیشتری برخوردار است که مانع جذب دکترمعلمان زیادی شده است. جالب اینجاست که در شرایط جذب وزارت علوم از ارتباط مقطع کارشناسی ارشد و دکتری سخنی به میان نیامده است. فوآح التحصیلان رشته‌های جدید بین‌رشته‌ای مانند آموزش ریاضی، آموزش شیمی و آموزش زبان که مقطع دکتری ندارند، می‌توانند در یکی از رشته‌های علوم تربیتی که مرتبط با رشته‌های آموزش و بین‌رشته‌ای هستند، در مقطع دکتری ادامه تحصیل دهند. با این شرایط سخت و یکی‌بودن دو مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، برخی از این دکترمعلمان با تجربه‌ای جذب علمی دانشگاه فرهنگیان محروم می‌شوند. همچنین در جذب هیئت علمی وزارت علوم داشتن مدرک دکتری از دانشگاه‌های

غیردولتی معتبر مانند دانشگاه آزاد نیز مورد قبول است. ولی در جذب دکترمعلمان قید شده که باید مدرک دکتری از دانشگاه دولتی باشد که البته استثنائاتی مانند داشتن رتبه اول در مقطع دکتری و داشتن حداقل پنج مقاله علمی-پژوهشی نیز دیده شده است. اما در هر شرط سخت که در جلب وزارت علوم نیستند، باعث شده که برخی از دکترمعلمان باتجربه نتوانند جذب هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان شوند که درخواست می‌شود.

مسئولان دانشگاه فرهنگیان در فراخوان‌های بعدی جذب دکترا معلّمان شرایط جذب را مانند جذب هیئت علمی وزارت علوم تسهیل کنند.

دانشگاه فرهنگیان با هدف ایجاد آمیخته‌های لازم برای رشد کیفی و کمی، ارتقای بهره‌وری و بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در دستیابی به اهداف عالی و مأموریت‌ها طی مجوزی از هیئت امنای دانشگاه فرهنگیان، تصمیم گرفت بخشی از هرم اعضای هیئت علمی مورد نیاز خود را از میان مشمولان ذیل تأمین کند:

- پرسنل رسمی قطعی وزارت آموزش و پرورش در رشته آموزشی فرهنگی و رشته شغلی دبیر، هنرآموز، آموزگار، امور تربیتی (پرورسی)
- مأموران آموزشی دانشگاه فرهنگیان دارای رشته آموزشی فرهنگی و رشته شغلی دبیر، هنرآموز، آموزگار، امور تربیتی (پرورسی)
- مأموران آموزش و پرورش (پرورسی) که از سال ۱۳۹۱ با داشتن مدرک دکتری تخصصی معیار حداقل دو سال به‌عنوان نیروی موظف در دانشگاه مشغول به تدریس و موظف بوده‌اند.

نبره‌های رسمی قطعی دانشگاه فرهنگیان با سابقه حداقل پنج سال سابقه همکاری موظف (مامور از آموزش و پرورش یا عضو غیر هیئت علمی دانشگاه)، اولین فراخوان و فرایند جذب دکترمعلم‌ها در آذرماه سال گذشته انجام شد؛ ولی برخی دکترمعلم‌ها به شرایط اختصاصی این فرایند اعتراض داشتند. شرایط اختصاصی جذب به شرح زیر بود:

- دارا بودن مدرک دکترای تخصصی همراه با رساله تحقیقی الزامی است.

- مدارک تحصیلی دو مقطع آخر تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری باید مرتبط بوده و با رشته مورد تقاضای فرد برای عضویت هیئت علمی مرتبط باشد.

A young boy is riding a white donkey across a wide, shallow river. The donkey is carrying a large, colorful, patterned blanket. The background features steep, rocky mountains under a clear blue sky.

♦ اهالی روستای تنگه در واقع در شمال خوزستان برای رفتن به شهر و روستاهای همجوار باید از دل رودخانه‌ای که به رود آب شور معروف است عبور کنند. همین امر سالیان زیاد باعث غرق شدن اهالی و اتفاقات ناگوار شده است. عکس: امین نظری/ ایسنا

شاهنامہ خوانی

لهراسب در جایگاه خسرو^(۲)



مهدی افشار

شاهنامه پڑوه

گشتاسب فرماندهی سیصد سوار را داشت، با برون آمدن از جشنگاه پدر سواران خود را فراخواند و به آنان گفت که همین امشب ساز رفتن کنند و دل و دیده از این بارگاه برکنند. یکی از سپاهیان گشتاسب از او پرسید چه اندیشه‌ای در سر دارد و در کجا در جست‌وجوی آرامش است. گشتاسب پاسخ داد که شهریار هند او را نزد خود فراخوانده و هندوان همه با شادی و مهر او را نزد خود می‌پذیرند. شاه هند نامهای برای او نوشته با این سخن که اگر نزد او برود، او را کهنتری خواهد کرد و از فرمان او رنج نخواهد کردند. سپاهیان گشتاسب که گرایش بر بازی و گردش در بگذشتن از سرزمین مادری نداشتند، به ناگهی با گشتاسب همراه شدند و شبانه بار برسدند و به سوی هند روانه گشتند. دگر روز لهراسب آگاه شد که فرزندش با خطری زخمیده میهن خویش بگذاشته و بگذشته. ازاین‌رو ایشان و بزرگان لشکر را فراخواند و همه آنچه رخ داده بود، دند بر آستان گذاشت و یادآور شد آنچه گشتاسب کرده، دل را در به در آورده. کسی را که در زیر پای خویش برپورده، اکنون که بال برآورده و در جهان بی‌همال گشته، چون راه بهره‌گیری از او فرارسیده، او را بگذاشته و برفته. فرماندهان سپاه لهراسب به او پیشنهاد کردند که از لشکر هزار تن را برگزیند و شتابان آنان را روانه هندوستان کند تا بعد از گذشتن آن جادوسنان شود و گشتم نوذر را نیز همراه خود ببرد. از این پیشنهاد، وزیر رفته باشد، او را بازگرداند و نیز سپاهی را به چین گسیل دارد تا به هر شیوه‌ای که شده، او را به ایران بازگرداند. لهراسب پیشنهادهای جهان‌شکُور را پذیرا شد و هزاران سپاهی را به سوی آن سه کشور روانه کرد. از دیگر سوی گشتاسب گشتمکین و آزاده را پیر بال دلی برکن و چشمی پراب به سوی کابل رفت تا خود به هندوستان برساند. در نزدیکی کابل به سرزمینی سرسبز و خرم رسیدند و گشتاسب که شتابی برای رفتن نداشت و چه بسا در پس‌زمینه اندیشه خویش امید داشت شهریار کسی را در پی او فرستد، فرمان داد تا در آن خزیم دشت، سارپردها را برپا دارند و چهره‌روزی را به شکار و خوشحالی بگذرانند. وزیر از پی گشتاسب تاختن کرد و زمانی از برایی سپاهیان سپاهیان گشتاسب نگذشته بود که یاران او گزارش کردند سپاهی بزرگ در پی آنان آمده است؛ جوشان و خروشان. گشتاسب آواز اسبان بشنید و یاران را گفت آن که در پی ما آمده است، کسی نیست مگر وزیر. در همین هنگام کبری بنفش برخاست و درفش وزیر نمایان گشت که بر آن پیکر بی‌نشسته بود. وزیر چون چهره برد، خویش را از راه دور دید، از اسب فرود آمده با چشمانی اشک‌بار پیاده شتابان به نزد برادر رفت و جهان‌آفرین را برای دیدار دگربار برادر ستایش کرد. دو برادر یکدیگر را در آغوش گرفتند و شکرنام در آن مغزاف به نوشیدن بنشستند و فرماندهان لشکر زیر همه گشتاسب را شاه خواندند و از هر سوی سخن راندند. یکی از هم‌رانان زبانش به گشتاسب گفت: «ستاره‌شناسان و هم دانش‌پژوهان گفته‌اند که تو یکسرو دیگر هستی و دیر نباشد که بر تخت شهرباری پشت خواهی داد. پیوستن تو به شاه هندوستان، مردم ایران را خوش نیاید و بر پایگاه تو آسیب زند. از هندیان کسی زندان‌پرست نیست و لهراسب تو را همه کنه‌ی است و آزاده‌شن تو پدر از چیست؟» گشتاسب در پاسخ گفت: «زند پدر اروپوی ندارم و همه مهر او به کاووسیان است و اگر پدر را مهری به من باشد، تاج و تخت به من سپارت تا چون بنده‌ای در درگاه او بمانم، وگرنه برای همیشه از درگاه او خواهم رفت و به جایی روم که من نشانی نایاب». وزیر او را اندرز داد که تنها از جاشین پدر خواهد شد و کسی دیگر شایسته نشستن بر اورنگ شهرباری نیست. سرانجام گشتاسب پذیرفت و مرغزار را رها کرده، نزد پدر بازگردد. لهراسب چون آگاهی یافت فرزند زودرنجش بازگشته، با سپاهی ایران به پیشواز او رفت و گشتاسب چون چهره پدر دید، از اسب فرود آمده پدر را نیش کرد و لهراسب نیز او را تنگ در گرفت و دلاری داد.

نیز او را تنگ در بر گرفت و دلداری‌ها داد.